تاریخ دریافت:۱۴۰۱/۱۲/۷ فصلنامه علمی عرفان اسلامی
تاریخ پذیرش:۱۴۰۲/۲/۲۷ دوره۲۱-شماره۸۲-زمستان۱۴۰۳-صص:۲۳۵-۲۵۶
مقاله پژوهشی

تجلی زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی در کالبد و معنای معماری رواق دارالسیاده حرم رضوی

محبوبه زمانی[۱]
امیر اکبری[۲]

چکیده

زیبایی شناسی از جمله مباحث مهمی است که عارفان اسلامی و بالاخص قرآن کریم به عنوان والاترین منبع دانش جهان اسلام به آن اشاره‌نموده اند و هستی عالم را تجلی زیبایی های ذات حق تعالی عنوان‌نموده اند. در این میان هنر اسلامی که به ژرفای حقیقت راه دارد، نمود بارزی از زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی بوده‌است که بیانگر سرمنشأ اصول وحدت بخش هنر نیز می‌باشد. معماری اسلامی در زمره هنر اسلامی، بارزترین جلوه نمایش زیبایی شناسی در طول تاریخ بوده و ریشه در اعتقادات معماران مسلمان داشته‌است. حرم مطهر رضوی، بزرگ‌ترین بنای مذهبی و نمونه‌ای کامل از معماری اسلامی در ادوار مختلف است و دارای بناهای ارزشمندی می باشد. رواق دارالسیاده یکی از باشکوه‌ترین و بزرگ‌ترین رواق‌های حرم مطهر می‌باشد که به‌دلیل همجواری با مرقد مطهر، مفاهیم والایی در زمینه زیبایی شناسی را در خود نهفته‌دارد. لذا پژوهش حاضر بر آن است تا زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی را بررسی‌نموده و از آن‌جاکه معماری اسلامی دارای دو بعد معنا و کالبد می‌باشد، نحوه تجلی این زیبایی‌شناسی را به منصه ظهور رساند. در این راستا، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و تاریخی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و میدانی، به بررسی زیبایی شناسی و سپس تحلیل آن در کالبد و معنای معماری رواق دارالسیاده پرداخته‌شده‌است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اوصاف الهی در دو سطح جمال و جلال قابل تقسیم‌بندی می باشند که جمال با مفاهیم شفافیت، سلسله مراتب، ریتم و تکرار، تناسبات، وحدت‌گرایی و جلال با مفاهیم بی‌کرانگی، معنویت، عالم مثال و تقدس در رواق دارالسیاده انطباق دارد.

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی، عرفان اسلامی، کالبد، معنا، رواق دارالسیاده.

۱- دانشجوی دکتری گروه هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲- استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. نویسنده مسئول:
Amirakbari84@yahoo.com

پیشگفتار

از دیدگاه عرفان اسلامی، جهان و پدیده‌های آن همه جلوه‌های اسما و صفات خداوند می‌باشد (راستگو و راستگوفر، ۱۳۸۸: ۱۷۵)، و بر هرچه بنگریم نموداری از اسما و صفات خداوند را دیده‌ایم (راستگو و راستگوفر، ۱۳۸۸: ۱۷۵). طبق سخن امام (ع) در دعای کمیل: «وَبِأَسْمَائِکَ الَّتِی مَلَأْتَ أَرْکَانَ کُلِّ شَیْءٍ: به آن نام‌هایت که بنیاد همه چیز را پر کرده» (مفاتیح‌الجنان، ۱۳۸٤: ۱۰۲). بنیاد این باور عرفانی به خصوص در عرفان ابن‌عربی و پیروان او، همچون ملاصدرا جایگاه برجسته‌ای دارد و دارای ریشه‌های قرآنی همچون، «فَأَیْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ الله: به هر سو رو کنید آنک روی خداست» (سوره بقره، آیه ۱۱۵)، «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی: از آن خداست نام‌های نیکو» (سوره اعراف، آیه ۱۸۰) می‌باشد، که همه‌چیز را وجه خداوند می‌داند و خدا را دارای اسما و صفات نیکو می‌شمارد، بنابراین، هر آن‌چه در هستی است، جلوه‌گر زیبایی‌های خداوند است.

آیات قرآن که با احادیث و روایات فراوان تأکیدشده‌است، نشان‌می‌دهد که خداوند منشأ و منبع تمام زیبایی‌هاست (سعیدی و دارابی، ۱۳۹۳: ۱۲). اسما و صفات خداوند در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته جمال و جلال تقسیم می‌شوند (خدایاری و مشتاق مهر، ۱۳۹٤: ۸). در قرآن کریم واژه «جلال» دو بار به صورت ترکیبی ذولجلال (سوره رحمن، آیه ۲۷) و ذی‌الجلال (سوره رحمن ،آیه ۷۸) آمده‌است. واژه «جمال» یک بار (سوره نحل، آیه ٦) بیان شده و در صورت اشتقاقی جمیل (سوره یوسف، آیه ۱۸و۸۳؛ سوره حجر، آیه ۸۵؛ سوره احزاب، آیه ۲۸و ٤۹؛ سوره معارج، آیه ۵) به‌کاررفته‌است. جمال به مفهوم زیبایی و جلال به مفهوم عظمت بیانگر اوصاف باری حق‌تعالی می‌باشند که در تمامی پدیده‌های هستی بالاخص هنر که خود ذاتاً به‌دنبال بیان زیبایی است، نقش‌بسته‌اند.

در این بین هنر اسلامی، هنری است که در آن عنصر سازنده‌ای از اندیشه‌های اسلامی (جلالی، ۱۳۷۸: ۳۳۰) و به‌تبع آن پیروی از زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی وجوددارد. منشأ هنر در دیدگاه عرفان اسلامی، لذت آفرینش، حب تجلی و جمال‌پرستی است « وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ کُلَّهَا: انسان مظهر اسماء حسنی الهی است» (بقره/ ۳۱) و از آن‌جاکه انسان دارای نفخه روح الهی است « وَنَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی: از روح خداوند بر انسان دمیده‌شده‌است» (ص/ ۷۲)، قوه آفرینندگی در انسان وجوددارد که در هنر اسلامی به زیبایی متجلی گشته‌است. یکی از نمودهای اصلی این هنر، معماری اسلامی می‌باشد ،که بهترین نمونه‌های آن در فضاهای مذهبی تجلی یافته‌است. حرم مطهر رضوی با داشتن سابقه‌ای از سال

۶۱۰ ه.ق منبعی ازشمند از بناهای معماری اسلامی در دوره‌های مختلف تاریخی می‌باشد. در بین بناهای حرم مطهر رواق‌ها به‌دلیل نزدیکی به مرقد مطهر امام رضا (ع) دارای مبانی و مفاهیمی گرانقدر در معماری می‌باشند که بر مبنای اعتقادات اسلامی شکل‌گرفته‌اند. حرم مطهر دارای رواق‌های متعددی از جمله رواق‌های دارالحُفّاظ، دارالسّیاده، دارالشّرف، دارالشّکر، دارالفیض، توحیدخانه، گنبد الله‌وردی‌خان، دارالضّیافه، دارالسّعاده، گنبد حاتم‌خانی، دارالسّلام، دارالسّرور، دارالعزّه، دارالذّکر، دارالزّهد، شیخ بهاءالدین، دارالعباده، دارالاخلاص، دارالولایه، دارالاجابه، دارالهدایه، دارالرّحمه، دارالحکمه، دارالحجّه، امام خمینی، دارالمرحمه می‌باشد که ساخت برخی از آن‌ها به دوران معاصر بازمی‌گردد. رواق دارالسیاده یکی از مهم‌ترین رواق‌های حرم مطهر می‌باشد که قدمت آن به دوره تیموری بازمی‌گردد. فرض بر آن است که رواق دارالسیاده نیز مانند تمامی بناهای اسلامی اشاعه‌دهنده اعتقادات اسلامی از جمله زیبایی‌شناسی اوصاف الهی نیز می‌باشد، بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا با شناخت و درک مفاهیم زیبایی‌شناسی اوصاف الهی، به تفسیر نحوه تجلی آن در رواق دارالسیاده بپردازد، و به‌دنبال پاسخ به این سوالات است: زیبایی‌شناسی اوصاف الهی در چه سطح از مفاهیم قابل دسته‌بندی است؟ و این اوصاف چگونه در معماری رواق دارالسیاده تجلی یافته‌است؟. در این راستا، ابتدا به معرفی اوصاف الهی از منظر قرآن کریم و اندیشمندان اسلامی پرداخته‌شده‌است و پس از دسته‌بندی و استخراج مبانی زیبایی‌شناسی، به نحوه نمود آن در معماری اسلامی و در نهایت تجلی آن در معماری رواق دارالسیاده پرداخته‌شده‌است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی نظری بوده و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و تاریخی است. ابتدا مبانی نظری پژوهش از دیدگاه زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی و عرفای اسلامی استخراج گردیده‌است و سپس اطلاعات نظری بر اساس استدلال منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفته‌است. بر اساس نتایج مستخرج از مبانی نظری، معماری رواق دارالسیاده مورد بررسی قرارگرفته‌است. در مرحله گردآوری داده‌ها از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده‌شده‌است، همچنین جهت مطالعه دقیق‌تر، نگارندگان در بنای موردنظر حضوریافته‌اند و برخی از جزئیات معماری را برداشت‌نموده‌اند.

پیشینه پژوهش

درباره زیبایی‌شناسی در هنر و معماری اسلامی تحقیقاتی صورت‌گرفته‌است. در زمینه تحلیل زیبایی‌شناسی، پژوهش‌های حکمت‌الله ملاصلاحی (۱۳۷۷) مهم‌ترین منبع شناخته‌شده است. وی در چند مقاله و کتاب با عنوان‌های "صور جلالی در معماری اسلامی"، "مقوله جمال و جلال در هنرهای تجسمی ۱ و ۲" دو گونه هنر جمالی و جلالی را نمونه‌هایی از مصادیق تشریح‌کرده‌است. مهدی

حمزه‌نژاد و ساناز رهروی‌پوده (۱۳۹۵)، در مقاله " گونه‌شناسی مفهومی در پرستشگاه‌های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در دوره صفویه اصفهان (بر اساس ویژگی‌های قدسی تنزیه، تشبیه، جمال و جلال)"، کلیساها را در گونه تشبیهی-جمالی، کنسیاها را در گونه تنزیهی-جلالی و مساجد را در حالت بینابین معرفی کرده است. همچنین مهدی حمزه‌نژاد (۱۳۹۱)، در مقاله "گونه‌شناسی مزارهای اسلامی در ایران، بر اساس مفاهیم قدیس، تشبیه، تنزیه، جمال و جلال" مفاهیم قدسی ذکرشده در مزارهای اسلامی را بیان‌کرده‌است. زهرا رهنورد (۱۳۸٦) در مقاله "جلوه جمال و جلال در نگارگری و بازتاب آن در موجودات اهریمنی و مخوف" به بررسی بازتاب جمال و جلال در زیبایی و تعابیر متناقض‌نمایی همچون دیوان خوش‌منظر پرداخته‌است. مهناز شایسته‌فر (۱۳۸۵) در مقاله "جلال در جمال، تاثیر سیره پیامبر بر هنر نگارگری و معماری" به تأثیر دیدگاه‌های پیامبر در معماری و نگارگری پرداخته‌است. هادی فرهنگ‌دوست و همکاران (۱٤۰۰) در مقاله "ارائه نظام زیبایی‌شناسی فلسفی-حکمی در معماری اسلامی" به بررسی زیبایی‌شناسی از دیدگاه حکمت و فلسفه پرداخته‌اند. بر اساس پیشینه مشخص‌می‌گردد که اوصاف زیبایی‌شناسی در مقالات به‌صورت مقایسه‌ای یا با مفهوم تشبیه و تنزیه انجام شده‌است و به بررسی بعد مفهومی زیبایی‌شناسی و نحوه تجلی آن در ابعاد مختلف معماری از جمله بعد معنایی و کالبدی به‌صورت مجزا پرداخته‌نشده‌است

زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی

زیبایی‌شناسی از منظرهای گوناگون قابل‌بحث است، و مفهوم آن در هریک از حوزه‌های معرفت‌شناسانه، علوم عقلی و علوم نظری، علوم قدیم و علوم جدید، معنایی قابل‌تفکیک دارد (ذوالفنون، ۱۳۸۹: ١٦-۲۰). بر مبنای دیدگاه قرآن کریم و دین مبین اسلام، سرچشمه تمامی چیزها خداست و پایان همه چیز به سوی او است. «ذَلِكُمُ اللَّه رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لا إِلهَ إِلا هُوَ فأَنَّىَ تؤْفكَونَ: همان خدا پروردگار شما آفریننده همه موجودات عالم است، جز او هیچ خدایی نیست، پس (ای بندگان) از درگاه یگانه معبود حق به کجا بازگردانیده‌می‌شوید؟» (غافر/٦٢). همچنین حق تعالی سرچشمه و پدیدآورنده تمامی زیبایی‌ها است، و سرچشمه تمامی حسن‌های نامحسوس و عقلی و قبلی می‌باشد. «الذِّی أَحْسَنَ كُلَّ شَیْءٍ خَلَقَهُ: آن خدایی که هر چیز را به نیکوترین وجه خلقت‌کرد» (سجده/۷) و تمامی زیبایی‌های اخلاقی و رفتاری و شهودی به او بازمی‌گردد و مبنای هر کار اخلاقی می‌باشد. همه خوبی‌ها به او استناد دارد و اگر بدی باشد، ناشی از سوء اختیار انسان است. «مآ أَصَابکَ منْ حَسَنَهٍ فمِنَ اللَّه وَمآ أَصَابکَ منْ سَيِّئَهٍ فمِنْ نفَسِکَ: هر چه از انواع نیکویی به تو رسد از جانب خداست و هر بدی رسد از خودِ توست» (نساء/ ۷۹) (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۵: ۳۱۳-۳۳۲). حق تعالی زیبایی‌ها را برای بندگانش بیرون‌آورده‌است. «زِينَهَ اللَّه الَّتِی أَخْرَجَ لعِبَادِهِ: زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده» (اعراف/ ۳۲)، و هر آن‌چه نام نیکوست، از آن اوست و او در نام و نشان نیز

زیباست «اللَّه لا إلهَ إلا هُوَ لهُ الأسْمَاءُ الحُسْنیَ بـه‌جـز خـدای یکتـا کـه همـه اسـماء و صـفات نیکـو مخصوص اوست خدایی نیست» (طه/ ۸)؛ «وَلِلّهَ الأسْمَاءُ الحُسْنیَ فَادْعُوه بهَا وَذَرُوا الذّینَ یلْحِـدُونَ فـی أسَمَائِهِ: و خدا را نیکوترین نام‌هاست، بدان‌ها خدا را بخوانید، و آنان را که در نام‌هـای او بـه انحـراف می‌گرایند به خود واگذارید» (اعـراف/۱۸۰)، بنـابراین او هـم ذات و صـفات و هـم در فعـل زیباسـت (خرقانی، ۱۳۹۰: ٦۰-۸٦). در قرآن کریم به سه واژه حسن، جمال و زینت به عنوان سه واژه محـوری زیبایی اشاره‌شـده اسـت (جعفـری، انصـاری و بمانیـان، ۱۳۹٦: ۱۷)، کـه حسـن و جمـال همیشـه در زمینه‌های مثبت به‌کاررفته‌است، اما زینت هم در تـزئین‌هـای مثبـت و هـم منفـی کـاربرد داشـته‌اسـت (خرقانی، ۱۳۸۷: ١٤-۲۰).

زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی در دو سطح جلال و جمال

همان‌طور که بیان‌گردید زیبایی‌شناسی عرفـان اسـلامی در دو سـطح جمـال و جـلال قابـل‌تقسـیم می‌باشد، که دو اصطلاح منحصربه‌فرد عرفان اسلامی(رهنورد، ۱۳۸٦: ۸۷) و از نمادهای مشهور تجلـی است (گوهرین، ۱۳٦۸: ٤٥). اسما و صفات با جمال و جلال پیوندیافته‌اند؛ «کُلٌ مَنْ عَلَیْهَـا فَـان وَیَبْقَـی وَجْهُ رَبِّکَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ: همه چیزها که بر زمـین‌انـد، نابودنـد و تنهـا وجـه ذوالجـلال و الاکـرام خداست که می‌ماند» (الرحمن/ ۲۷). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «در معنـای کلمـه‌ی جلال چیزی از معنای اعتلا و اظهار رفعت خوابیده؛ البته رفعت و اعتلای معنوی در نتیجه جلالـت بـا صفاتی که در آن بویی از دفع هست سروکار دارد؛ مانند صفت علو و تعـالی، عظمـت، کبریـا، احاطـه، عزت و غلبه» که صفات جلال نام دارند. برای کلمه اکرام از میانه صفات، آن صفاتی باقی‌مـی‌مانـد کـه بویی از بها و حسن می‌دهد؛ مانند صفات علم، قدرت، حیات، رحمت، جود، جمال و حسن و از ایـن قبیل صفات که مجموع آن‌ها را صفات جمال می‌گویند (طباطبایی، ۱۳٦۲: ۲۰۱-۲۰۲). برطبق این آیـه، اسما و صفات خداوند، آشکارا دارای جلال و بر اساس تفسیر و تأویل علامه طبابایی در المیزان دارای جمال است (راستگو و راستگوفر، ۱۳۸۸: ۱۷٦).

عارفان مسلمان نیز اسما الهی را دو دودسته اسماءالجمـال و اسـماءالجـلال دسـته‌بنـدی‌نمـوده‌انـد. اسماءالجلال آن دسته از اسامی خداوند هستند که به مغفرت و رحمـت خداونـد همچـون «الـرحمن» مربوط هستند، و نام‌هایی که به عدل، داوری و قدرت خداوند مربوط می‌باشند؛ از اسماء جلال هسـتند (نصر، ۱۳۸٤: ٤۹-۵۰). جلال و جمال در بینش عارفان، از دیدگاه هستی‌شـناختی، معرفـت‌شـناختی و روان‌شناختی جایگاه بنیادینی دارد. از دیدگاه هستی‌شناختی، همه هسـتی و پدیـده‌هـای آن جلـوه‌هـا و نمودهای جلال و جمال خداوندند. از دیدگاه معرفت‌شناختی هر معرفت و شـناختی کـه عـارف بـدان می‌رسد، چیزی نیست جز بازتاب جلوه‌های جلال و جمال خـدا در چشـم و دل عـارف، و از دیـدگاه روان‌شناختی نیز همه حالات و مقاماتی که برای عارف پیش‌می‌آید و همه دگرگونی‌هایی که در جـان و

روان او روی‌می‌دهد، همه پی‌آمد جلوه‌های گوناگون جلال و جمال است (راستگو و راستگوفر، ۱۳۸۸: ۱۸۲). البته، بنیاد اسما و صفات خدا با همه دوگانگی‌های مفهومی و ماهوی، هستی یگانه‌ای دارند، هر جمال را دارای جلالی و هر جلالی را دارای جمالی شمرده‌اند، و از این‌جاست که گزاره «لکل جمال جلال و لکل جلال جمال» مطرح‌شده‌است (راستگو و راستگوفر، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

الف) جمال: واژه جمال در فرهنگ معین، زیبا بودن، نیک بودن، پسندیده بودن، زیبایی (معین، ۱۳۸٦)، در فرهنگ دهخدا خوب صورت و نیکوسیرت گردیدن، زیبا بودن، نیکویی، زیبایی، خوبی صورت و سیرت، خوش‌صورتی، اورنگ و افژنگ (دهخدا، ۱۳۷۳) تعریف‌شده‌است. «جمال به معنی خوب‌صورت و نیکوسیرت، خوبی و خوب شدن است» (گوهرین، ۱۳٦۸: ۵۰) و شخصیت صفت جمال، ویژگی‌هایی چون لطف، رضا و رحمت را عیان‌می‌کند (لاهیجی، ۱۳۸۰: ۷۵۷). جمال نزد اهل لغت به معنای حسن و خوبی در مخلوقات خداوند است (عارف میناآباد، ۱۳۹۱: ۹٤). حسنی است که ظاهر و بارز شده و در اعیان موجودات تجلی پیداکرده‌است (تقوایی، ۱۳۸۱: ٤).

ب) جلال: واژه جلال در فرهنگ معین، احتشام، بزرگی، جبروت، حشمت، شوکت، عظمت، فر، فره، کبریا، شکوه، والایی، بزرگی (معین، ۱۳۸٦)، در فرهنگ دهخدا بزرگی، کلانی، عظمت، بزرگواری، سرافرازی، جاه، بلندی، رتبه، قدرت، قوت، شوکت، رونق، عزت و هیبت (دهخدا، ۱۳۷۳) تعریف-شده‌است، و شخصیت صفت جلال، عزت و عظمت را آشکارمی‌کند (لاهیجی، ۱۳۸۰: ۷۵۷). جلال به معنای بزرگی و بزرگواری (گوهرین، ۱۳٦۸: ٤۵) و در اصطلاح به معنای بزرگی قدر و جلال، بر نهایت بزرگی قدر و شأن دلالت‌دارد (عارف میناآباد، ۱۳۹۱: ۹۳). جلال نشانگر شکوه، شوکت، بلندپایگی و برتری است، با صفاتی چون عزت، عظمت، کبریا و ... درخور است (المیزان، ۱۳۹۰: ۱۰۱/۱۹). بنابر موارد یادشده، معانی جلال و جمال در جدول زیر خلاصه‌شده‌است.

جدول۲- تفاوت معانی جلال و جمال (منبع: نگارندگان)

سطوح زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی	تعریف سطوح زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی	معانی سطوح زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی
جلال	سطح جلال جنبه‌های معنایی و ماهوی زیبایی‌شناسی را دارا می‌باشد، که با قلب قابل‌ادراک می‌باشد.	احتشام، بزرگی، جبروت، حشمت، شوکت، عظمت، فر، فره، کبریا، شکوه، والایی، بزرگی، سرافرازی، جاه، بلندی، رتبه، قدرت، قوت، رونق، عزت، هیبت، بزرگی قدر و شأن، بلندپایگی، برتری
جمال	سطح جمال هم‌راستا را نشانه‌های عینی و نمایان می‌باشد، که با چشم بدن قابل دیدن و درک است.	خوب صورت، نیکوسیرت گردیدن، زیبا بودن، نیکویی، زیبایی، خوش‌صورتی، اورنگ، افژنگ

تجلی زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی در معماری اسلامی

«تجلی» از ریشه جلو و به معنی روشنی و آشکاری است (طریقی، ۱۳۸۷: ۱۳۷) و در اصطلاح صوفیه، عبارت از جلوه انوار حق بر دل صوفی یا بر کل عالم است (رجائی بخارایی، ۱۳٦٤: ۱۱۷). «مراد از تجلی انکشاف شمس حقیقت حق تعالی و تقدس از غیوم صفات بشری است به غیبت آن» (کاشانی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). «تجلی در اصطلاح عرفا، آشکارشدن ذات مطلق حق و کمالات او پس از تعین یافتن به تعینات (ذاتی، اسمائی یا افعالی) برای خود او یا برای غیر اوست به‌نحوی که تباین، تجافی، حلول یا اتحاد لازم نیاید (رحیمیان، ۱۳۸۳: ۱۲۹). بر اساس دیدگاه ابن‌عربی، تجلی روندی است که طی آن "حق" که در ذات خویش مطلقاً ناشناخته و مخفی است، خود را در صورت‌های عینی‌تر ظاهرمی‌سازد. بنابراین در روند تجلی کلیه پدیده‌های هستی همچون آینه‌های هستند که جمال و جلال او را نمایان‌می‌کنند.

معماری اسلامی دارای دو وجه کالبدی و معنایی می‌باشد. کالبد معماری اسلامی که با چشم بصری قابل‌مشاهده است، به عینیات اشاره‌دارد. بعد معنایی معماری اسلامی ذهنیت‌هایی است که یک محرک برای مخاطب به‌وجودمی‌آورد و تمام چیزهایی است که در جریان بازیابی یک مفهوم برای مخاطب تداعی می‌گردد (رحمانی و نورمحمدزاد، ۱۳۹۸: ۱۱۳). معنا در واژه به مفهوم رسم‌الخط فارسی برای معنی (فرهنگ لغت دهخدا، ۱۳۱۰)می‌باشد. معنا، معنی (مربوط به باطن، درون، فکر درونی) و معنوی (منسوب به معنی، مربوط به معنی) هم‌خانواده بوده و دارای یک مفهوم می‌باشند. مفهوم معنا و معنویت در حکمت ایرانی تفاوتی نداشته و هر دو دلالت بر آگاهی و اعتقاد انسان به وجود خالق عالم و درک عالم هستی از جنبه روحانی آن دارد (صحاف، ۱۳۹۰: ۵۸). به برکت وجود معنا در معماری ایرانی، سرپناهی ایجاد می‌گردد که انسان در آن می‌تواند نه‌فقط آرامش، بلکه از بهشت آسمانی بهره برد؛ بهشتی که انسان در عمق و مرکز وجود خود دارد (نصر، ۱۳۷۵: ۷۰). از این‌رو، برای شناخت کامل یک بنای معماری اسلامی باید هر دو بعد را درنظرگرفت و بررسی زیبایی‌شناسی اوصاف الهی نیز در هر دو سطح مطرح‌گردد. نمودار زیر نحوه تجلی زیبایی‌شناسی در معماری اسلامی است که بر معماری رواق دارالسیاده تطبیق‌دارد و در ادامه نحوه تجلی این دو سطح از زیبایی‌شناسی در دو سطح کالبد و معنای رواق دارالسیاده بررسی‌می‌گردد.

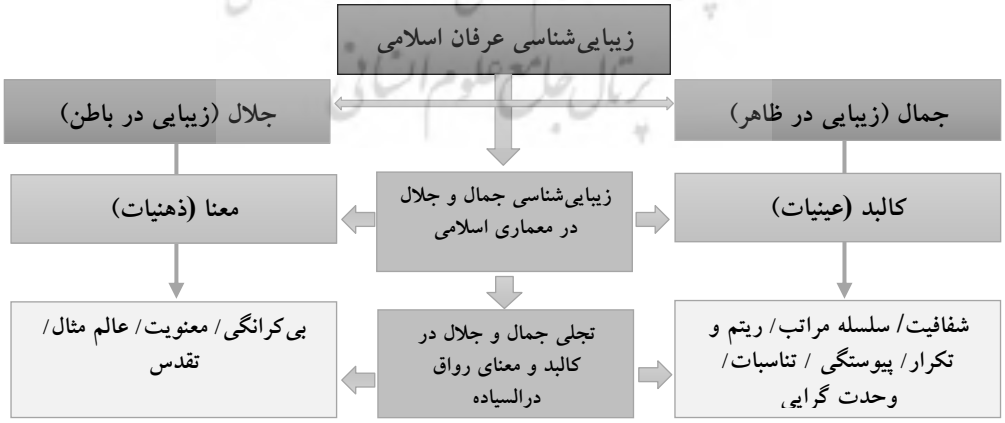

نمودار۱ – تجلی زیبایی‌شناسی اوصاف الهی در دو سطح جمال و جلال در کالبد و معنای رواق دارالسیاده (منبع: نگارندگان)

زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی در دو سطح جمال و جلال در معماری رواق دارالسیاده

رواق دارالسیاده در جنوب‌غربی و غرب بقعه مطهر واقع‌است، این رواق تا پیش از انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین رواق حرم امام رضا (ع) محسوب‌می‌شد (نعمتی و رزاقی،۱۳۹۱: ۲۳) و یادگار گوهرشادخاتون است (شایسته‌فر، ۱۳۹۲: ۱۲۵). این رواق در غرب مسجد بالاسر واقع‌شده و چند در به ایوان شمالی مسجد گوهرشاد راهروی معروف به سقاخانه و از آن‌جا به ایوان طلا نادری و دارالحفاظ بازمی‌شود؛ و از جنوب به مسجد گوهرشاد راه‌می‌یابد (سعادت، ۱۳۵۵: ۲۶). قسمت وسط رواق به انضمام دو صفه شرقی و غربی به‌صورت کثیرالاضلاع ۱۹/۳۰ متر و قسمت شمال و جنوب هر یک ۷/۷۶ متر بوده (عطاردی، ۱۳۷۱، ج۱: ۱۰۶)، مساحت آن ۳۷۳ متر مربع و بلندی بنا ۲۰/۸۰ متر است و چون رواق اصلی متشکل از یک گنبد مرکزی است به دو گنبد کوچک تکیه‌دارد، لذا عرض دارالسیاده در نقاط مختلف تغییرمی‌کند (سعادت، ۱۳۵۵: ۲۶) و ازاره آن ارتفاع ۱/۸۰ متر بوده که از کاشی معرق پوشیده‌شده‌است (عقابی، ۱۳۷۸: ۳۴۷). کف رواق با سنگ مرمر پوشیده شده و بالای ازاره‌ها قصیده‌ای از صبوری ملک‌الشعرا با خط نستعلیق روی سنگ نوشته و نصب‌شده‌است. بالای سر ازاره‌ها تا سقف آیینه‌کاری‌شده (عطاردی، ۱۳۷۱، ج۱: ۱۰۶).

تصویر ۱– دارالسیاده و رواق‌های اطراف (ترسیم: نگارندگان)

سقف دارالسیاده به سه بخش تقسیم می‌شود که در میان هر بخش دایره بزرگی ترسیم‌شده، دایره وسط نه کاسه و دو دایره طرفیت هر کدام هفت کاسه است که با اسلوب خاص و بسیار اصیلی رسمی‌بندی و پیرامون آن مقرنس‌کاری شده‌است (مشهدی‌محمدی، ۱۳۸۳: ۱٦۷). در قسمت شمالی این رواق، مکانی است که توسط دیواره‌ای از سنگ مرمر سبزرنگ از دیگر مکان‌ها جدامی‌شود. مردم به احترام «بالای سر مبارک حضرت» از این مکان مشرف‌نمی‌شوند و دارای محراب کوچکی در پشت پنجره فولادی داخل حرم است که مؤمنان در اینجا نمازمی‌خوانند (عطاردی، ۱۳۷۱، ج۱: ۱۰٦).

ظهور دارالسیاده در بناهای اسلامی، با گسترش تکاپوی سادات ارتباط دارد و در این دوره، حرم در نظارت سادات موسوی بود (نعمتی و رزاقی، ۱۳۹۱: ۲۳). یکی از ویژگی‌های بارز رواق دارالسیاده هنر آیینه‌کاری آن می‌باشد، که این رواق را از دیگر رواق‌های حرم مطهر متمایزساخته‌است. آیینه‌کاری این رواق در تمامی ادوار مورد بازسازی و تعمیر قرارگرفته‌است. اولین اسناد مربوط به آیینه‌کاری این رواق به اواخر سده سیزدهم بازمی‌گردد (مرکز اسناد آستان قدس، سند ۵۸۸۲۱/۱). سرتاسر رواق از تزئینات آیینه‌کاری پوشیده‌شده‌است که پر تزئین‌ترین آن دهانه‌های شمال شرقی و شمال غربی می‌باشد. این رواق به سبک بناهای دوره تیموری با چهار دهانه وسیع ساخته‌شده‌است، که سقف‌ها کاسه‌بندی و پایین کاسه‌ها رسمی و تماماً با آیینه‌کاری پوشیده-شده‌است. و داخل فیل‌پوش‌ها مقرنس کاری‌شده‌است که پیرامون آن با شیشه‌های رنگی پوشیده‌شده‌است. از دیگر ویژگی‌های بارز این رواق کتیبه‌های قرآنی آن می‌باشد که به نسبت دیگر رواق‌ها کتیبه‌های قرآنی آن بیشتر است.

جدول ۳- کتیبه‌های قرآنی رواق دارالسیاده(منبع: نگارندگان)

سوره/ آیه	شرح آیه	مضمون آیه
شوری/۳۳	إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ	(آیه مودت) رسول اکرم(ص) اجری نمی‌خواهد جز مودت و محبت مردم در حق خویشاوندان
احزاب/۳۳	وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا	خانـدان پیـامبر از هرگونـه آلـودگی دور و مطهـر می‌باشند
طلاق/ ۲و ۳	وَ مَن يَتَّقِ اللَّه يجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيثُ لاَ يحْتَسِبُ وَ مَن يتَوَكلْ عَلَى اللَّه فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللهَ لكِلِّ شَىءٍ قدْرًا صدق الله العلى العظيم	تأکید بر خداترسی و پرهیزگاری و اجـرای احکـام طلاق
حجرات/۱۳	إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقَيكُمْ	تمامی انسان‌ها با هم برابرند و در آفرینش هیچ‌کس بـر دیگـری برتـری نـدارد و فقـط نـزد خداونـد، باتقواترین مردم برتر هستند و خداوند آگاه بـر هـر نیک و بد است.
رعد/ ۲۸	الا بِذِكرِ اللهَ تَطمَئِنُّ القُلُوبُ	ایمان آورندگان با ذکر خداوند آرامش می‌گیرنـد و یاد خدا آرامش‌بخش است.
ضحی/ ۱۱	وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ	بازگو کردن نعمت‌ها مثل شکر کردن است.

سوره قدر	بِسْمِ اللهَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ/ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَيْلَةِ الْقَدْرِ/ وَمَا أَدْرَاکَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ/ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ/ تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَةُ وَالرُّوحُ فِی ها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ/ سَلَامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ	توصیف عظمت شأن نزول قرآن در شب قدر
سوره نصر	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ/ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ/ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِی دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا/ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کَانَ تَوَّابًا	رحمت و مهربانی بی‌اندازه خداوند و توصیه به سپاس و ستایش خداوند
سوره انشراح	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ/ أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ/ وَوَضَعْنَا عَنْکَ وِزْرَکَ/ الَّذِی أَنْقَضَ ظَهْرَکَ/ وَرَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ/ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا/ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا/ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ/ وَإِلَی رَبِّکَ فَارْغَبْ	عظمت بار گران پیامبری و سعه‌صدر از طرف خداوند به پیامبر است
آل‌عمران/ ۹۷	فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ کَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ	اهمیت خانه خدا و واجب‌بودن حج
آل‌عمران/ ۱۷٤	فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ	خداوند به مؤمنان یاری‌می‌رساند و بزرگ‌ترین یاور خداوند است
غافر/ ٤٤	فَسَتَذْکُرُونَ مَا أَقُولُ لَکُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ	آگاه بودن خداوند
نوح/ ۲۸	رَبِّ اغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِیَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا	آمرزش گناهان
اسراء/ ۲٤	وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّيَانِی صَغِيرًا	توصیه به پیامبر که به مهربانی و با تواضع و تکریم رفتارکردن است

کتیبه‌های حدیثی دارالسیاده دارای یک حدیث مشترک با رواق دارالحفاظ است و آن حدیث معروف «لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» می‌باشد که بالای در ورودی در ترنجی نگاشته‌شده و این حدیث دوبار تکرارشده‌است (سعادت، ۱۳۵۵: ۲۹)، این کتیبه در دهانه شمال‌شرقی معروف به صفه حسام‌السلطنه قراردارد. در دهانه شمال‌شرقی در میانه شمسه «قال الله تبارک و تعالی کتبه رضوان» نگاشته‌شده‌است و در اطراف آن عبارت «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» در زمینه‌ای لاجوردی و تزئینات گیاهی نقش‌بسته‌است. در جبهه روبه‌روی این کتیبه در دهانه شمال‌شرقی بار دیگر عبارت «قال الله تبارک و تعالی کتبه رضوان» تکرارشده‌است. در جوار این کتیبه متن «انما یرید الله لیذهب عنکم الجرس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» نگاشته‌شده‌است.

روبه‌روی صفه حسام‌السلطنه، در صفه نیرالدوله در شمال‌غربی کتیبه‌های قرآنی و اسامی ائمه اطهار به زیبایی نقش‌بسته‌است. کتیبه‌های اسماءالحسنی در دارالسیاده شامل عبارت «السلطان علی‌بن موسی‌الرضا» و در طرف راست این صفه که اکنون راهرو دارالحفاظ می‌باشد عبارت «لااله اله الملک الحق المبین» به معنی هیچ خدایی جز خدای یگانه شایسته پرستش نیست، خدایی که مالک آسمان و زمین و خدایی که حق ثابت پایدار است، نوشته‌شده‌است. در دو طرف بالای کتیبه سنگی صفه دو

دایره است که در آن عبار «بسم الله الرحمن الرحیم» در وسط و در زیر آن «الله، محمد، علی، فاطمه، حسن یا حسین» نگاشته‌شده‌است.

کتیبه‌های دعایی با خط نستعلیق بند چهل و دوم دعای جوشن کبیر با مضمون ستایش خداوند متعال می‌باشد که در بالای پنجره فولادی دارالسیاده نوشته‌شده‌است: « اللّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الَّذِی ارْتَضَیْتَهُ وَرَضَّیْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِکَ . اللّهُمَّ وَکَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَی خَلْقِکَ، وَقائِماً بِأَمْرِکَ، وَناصِراً لِدِینِکَ، وَشاهِداً عَلَی عِبادِکَ، وَکَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِی السِّرِّ وَالْعَلانِیَةِ، وَدَعا إِلَی سَبِیلِکَ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، فَصَلِّ عَلَیْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَوْلِیائِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ إِنَّکَ جَوادٌ کَرِیمٌ.» که صلوات پرفضیلت برای امام رضا (ع) می‌باشد.

کتیبه‌های اشعار فارسی از دو شاعر به نام‌های صبوری و سرخوش می‌باشد، در قسمت بالای ازاره شرقی دارالسیاده که به درالحفاظ می‌رود قصیده‌ای از اشعاد سرخوش به سال ۱۲۷۱ق/ ۱۸۵٤م به خط نستعلیق کتیبه‌شده‌است. در این بیت‌ها، حرم امام رضا (ع) به درگاه می‌ماند که عرش کبریاست و تمام فرشتگان بر در این حرم در حال راز و نیاز هستند. این درگاه بهشت صفا، روضه رضوان و پناهگاه بزرگ است که خاک آن از عنبر و خشت آن از دم بیضایی مسیحا و سقف آن پناه عالمیان و فرش آن از عرش الهی است (شایسته‌فر، ۱۳۹۲: ۱۳٦).

به کاخ عالی شاهنشهی که بر در او — نموده خسرو انجم به مسکنت مسکن
چراغ دوزه حیدر فروغ دیده من — که چشم شرع شد از نور روی او روشن
بهین نتیجه موسی که کل خطه طوس — زیمن مرقد او رشک وادی ایمن
به عهد دولت سلطان عصر ناصر دین — که شمع حشمت او را نهم سپهر کهن
دور داوری عم شاه افریدون — که برنتافته گردون ز حکم او گردن

در برخی از ابیات نیز بر مدح و ثنای مام رضا (ع)، بارگاه ایشان و برخی از ابیات پایانی به شرح آیینه‌کاری رواق دارالسیاده اختصاص یافته‌است:

و اندرین دوران که در مشرق زمین با تولیت — ز امر شه فرخ شقیق شه به ما فرمانرواست
افتخار شرق رکن‌الدوله کز قدر و مقام — همچو رکن شرقی اندر کعبه کوی رضاست
اشرف و امجد تقی بن محمد پادشاه — آن که از دامان تقوی آبروی اتقیاست
چون بود مرضیّ این باب همایون خدمتش — هم ملک خشنود از او و هم امام از او رضاست
ز اهتمام این شهنشه زاده کاندر آستان — ز انتظامش عاید موقوفه رو در ارتقاست
این همایون کاخ گردون رتبه کز روی شرف — در لقب دارالسیاده در نسب دارالصفاست

همچـو گـردون از کواکـب زینـت و ایـین گرفـت | ز اینـه روشـن کـه دل را صـیقل و جـان را جلاسـت
شد مـزیّن از کواکـب گـویی از نـور آسـمان | کـائن رواق و آینـه مصـداق زیـن السماسـت
عکـس انسـان انـدرین اینـه اسـکندری | خضر را ماند که انـدر چشـمه اب بقاسـت
شب چـو بینـی در زجـاج روشـنش عکـس سـراج | گویی انـدر ظلمـت و اللیـل نـور والضـحی است
نـور جـان ز آینـه، نـور آینـه از ایـن امـام | نور مـاه از شـمس و نـور شـمس از عـرش علاسـت
شـهریار دیـن سلیمانسـت و انـدر حضـرتش | ایـن ملـکزاده معظـم اصـف بـن برخیاسـت
بـر در کـاخ جلالـش صـد ملـک چـون جبرییـل | بنـده فرمـان چـو هدهـد قاصـد شـهر سباسـت
و ایـن حـرم در پیشـگاه آن سـلیمان جهـان | هست چون صـرح مُمـرّد کـز قـواریرش نماسـت
مـی‌بـرد در وی گمـان اب بلقـیس نظـر | کـز لطافـت همچـو ابسـت اینـه لابـل هواسـت
الغرض ز اینه چـون ایـین گرفـت ایـن کـاخ قـدس | بهـر تـاریخش صـبوری همتـی از طبـع خواسـت
زین حرم ناگـه سـروش غیـبش انـدر گـوش گفـت | دیـده حـق‌بـین گشـای آینـه مـا حـق‌نماسـت

تجلی زیبایی‌شناسی جمال در کالبد رواق دارالسیاده

زیبایی‌شناسی جمال همسو با زیبایی و حسن در عینیات معماری اسلامی رواق دارالسیاده متجلی‌گشته‌است. همان‌گونه که بیان‌گردید، صفات جمالی خداوند با مفاهیم شفافیت، سلسله مراتب، ریـتم و تکرار، تناسبات، پیوستگی فضا و وحدت‌گرایی منطبق‌می‌باشد که هریک بـه بهتـرین نحـو در معمـاری رواق دارالسیاده نمودیافته‌است. در ادامه هریک از مفاهیم نام‌برده به تفضیل بیان‌شده‌است.

شفافیت: شفافیت عاملی در جهت نیل به ارتباط داخل و خارج بناست. یکـی از اصـول حـاکم بـر هستی و معنای آن حرکت همیشگی و تکامـل هسـتی از کیفیـت مـادی بـه کیفیـت روحـی مـی‌باشـد (میرمیران، ۱۳۷۷: ٦۷). شفافیت در معماری اسلامی در دو سطح، شفافیت فضایی و شـفافیت پایـداری نمودیافته‌است (سعادت و همکاران، ۱۳۹٦: ۸۲). این نوع از شفافیت در معماری رواق دارالسـیاده بـه‌وضوح قابل‌مشاهده است. با توجه به پلان رواق دارالسیاده، کاهش تـوده نسـبت بـه فضـای آن قابـل‌مشاهده است. توده که در اطراف شکل‌گرفته‌است و فضا به‌عنوان مؤلفـه اصـلی رواق در مرکـز و بـه‌صورت تهی است که تأکید بر فضا بوده است و هنگامی که کسی در رواق حرکت‌می‌کند تنها فضاست که او را دربرمی‌گیرد و توده در اطراف آن قراردارد. مخاطب در فضا سیرمی‌کند و هـیچ تـوده‌ای مسـیر حرکتی و بصری او را نمی‌پوشاند و به هر سو که گام‌نهد و بنگرد، شفافیت فضایی را درک‌می‌کند.

تصویر ۲- اصالت توده بر فضا در رواق دارالسیاده (منبع: نگارندگان)

نوع دیگر شفافیت در معماری اسلامی، شفافیت پایداری به مفهوم لایه‌بندی و ابهام فضایی است، که اساس معماری است. مخاطب به‌وسیله موقعیت‌های مختلف متناسب فضایی، قادر به شناخت موقعیت خود در فضا می‌باشد. در معماری اسلامی شفافیت پایداری، گنجاندن یک یا چند حالت فضایی در یک واحد فضایی مطرح است (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۰٤). شفافیت پایداری در معماری کالبد رواق دارالسیاده به‌صورت لایه‌بندی فضایی از بدو ورود مخاطب تا هنگام خروج وی از رواق شکل‌گرفته‌است. در هریک از لایه‌ها ویژگی‌های معماری آن با تغییر ارتفاع، تغییر تزئینات و تغییر فرم سقف متغیر و بیانگر شفافیت پایداری رواق است.

سلسله‌مراتب: سلسله‌مراتب ارتباط سیستماتیک را بین اجزای مجموعه ایجادمی‌کند که خود تشکیل‌دهنده یک کل‌اند و به معنی سازماندهی، ترکیب فضاها و عناصر بر اساس ویژگی‌های کارکردی و محتوایی آن‌ها که موجب به‌وجودآمدن ترتیب و نظمی قاعده‌مند در نحوه قرارگیری مشاهده یا استفاده از آن‌ها می‌شود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ٦٦). سلسله‌مراتب در فضای معماری رواق، وجود گام‌هایی برنامه‌ریزی‌شده جهت حضور در فضای اصلی است. سلسله‌مراتب در معماری رواق، باعث آمادگی حضور مخاطب برای ورود به فضای اصلی می‌گردد، این مفهوم از معماری اسلامی که در رواق به‌خوبی نمایان‌گشته‌است یکی از زیبایی‌شناسی‌هایی است که بر صفات جمال خداوند استوار گشته‌است، تا آدمی را برای حضور در فضای مذهبی و پاک رواق و مرقد مطهر امام آماده‌نماید.

تصویر ۳- سلسله‌مراتب رواق دارالسیاده (منبع: نگارندگان)

ریتم و تکرار: تکرار معنی وجودی و ضد فنا دارد، به همین دلیل، هیچ رسم و آئین و مناسکی نیست که در آن تکرار نباشد (حصوری، ۱۳۸۱: ۱۱۷). از منظر معنا و از دیدگاه عرفانی در تکرار «آهنگ»، «هماهنگی» به همراه «تغییر آهنگ» نهفته‌است که در یک مجموعه معماری منبعث و متأثر مقوله‌ای به نام تکرار همراه با تأکید یا مکث می‌باشد و این رموز نیل به اعتدال در یک اثر هنری است و «آنی» است که اسعدادهای نهانی اثر را مکشوف و ظاهر می‌گرداند(مفید، ۱۳۸۳: ۳۵). از تکرار عناصر بصری «ضرباهنگ» یا ریتم حاصل‌می‌شود. ریتم حاصل تکرار منظم و هماهنگ عناصر طبیعی و تجسمی است. این نوع از مفهوم معماری اسلامی در کالبد رواق داراسیاده به‌صورت طاق‌هایی که در دیواره‌ها نقش‌بسته‌اند، نمایان‌شده‌است. این طاق‌ها با تکرار در هر سمت از دهانه‌های رواق ریتمی را باعث‌شده‌است که آهنگی را در فضا ایجادکرده‌است که زیبایی‌شناسی را به حدّ اعلا رسانده‌است.

تناسبات: تناسبات مجموعه‌ای از نسبت‌های ثابت بصری را بین اجزای یک بنا و نیز بین اجزا و کل به‌وجودمی‌آورد (انصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ٤۷). هنر و معماری اسلامی بر تناظر میان عالم و آدم استوار است (بمانیان، ۱۳۸۹: ۱۱) و سخن از تناسبات، سخن از اندازه درست اشیاء خلق شده می‌باشد (فن‌مایس، ۱۳۹۰: ٦٥). قرآن به‌عنوان اصلی‌ترین منبع اندیشه اسلامی، صورت فیزیکی و ساختاری عالم را در واژه قدر (بلخاری، ۱۳۹۰: ۳۹۱)، « وَالَّذِی قَدَّرَ فَهَدَی» (اعلی/ ۳) بیان‌کرده‌است. بنابراین یکی از مؤلفه‌های تناسبات، با توجه به آیات و حدیثی مذکور در اصول کافی «هی الهندسه و ضع الحدود من البقاء و الفناء» همان هندسه است (بلخاری‌قهی، ۱۳۹۰: ۳۹۳). معماری دارالسیاده به بهترین نحو، اندازه، تناسبات و هندسه را به ظهور رسانده‌است. پلان مستطیل شکل آن که در دل خود چند مستطیل پنهان را جای‌داده‌است زیباترین و متناسب‌ترین هندسه را نمایان‌کرده‌است. این هندسه متناسب رواق بیانگر خلوص معماری اسلامی نیز می‌باشد که در عین سادگی و خلوص دارای زیبایی شگرف به‌دلیل متناسب بودن فضاست.

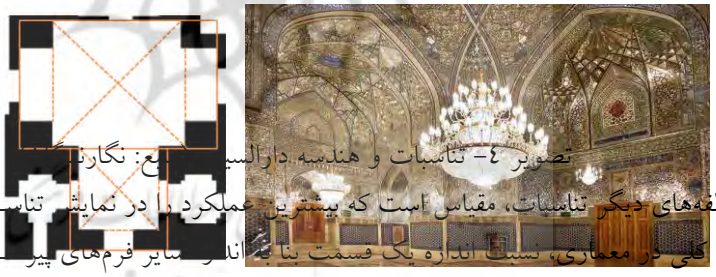

تصویر ٤- تناسبات و هندسه دارالسیاده، مرجع: نگارنده

از مولفه‌های دیگر تناسبات، مقیاس است که بیشترین عملکرد را در نمایش تناسبات دارد. مقیاس عمومی و کلی در معماری، نسبت اندازه یک قسمت بنا به اندازه سایر فرم‌های پیرامون بستگی‌دارد. در این بین، ارتفاع نسبت به سطح تاثیر زیادی بر درک تناسبات دارد. در معماری رواق دارالسیاده تناسبات فضایی در ارتفاع بنا مشهود است و ارتفاع در برابر سطح پلان متناسب می‌باشد و بلندی فضا که در قسمت‌های مختلف تغییریافته‌است، در برابر سطح وسیع رواق هماهنگ و زیبایی متناسب فضا در تمامی قسمت‌های رواق قابل‌درک است.

پیوستگی فضا: معماری ایرانی دارای فضایی مواج است که انسان را از میان فضای بی‌مانع (خلأ) عبورمی‌دهد و هیچ «تداوم گسلی» در راه عبور انسان وجودندارد، در این فضا، آدمی متداوماً، در فضایی مواج و گسترنده که پیوسته یکتاست پیش‌می‌رود (اردلان، ۱۳۹۰: ٤٧). معماری اسلامی فضا را آزادمی‌کرده، و سیالیت و شناوری فضا از توانایی‌های معماری ایرانی است. در چنین شرایطی، فضاهای متوالی بسط یکدیگر به‌شمارمی‌روند و تغییر تدریجی فضای باز به بسته، به‌کمک نقش انتقالی فضاهای سرپوشیده، موجب‌می‌شود که ادراک فضا از سوی مخاطب، هیچ‌گاه با انقطاع روبه‌رو نگردد.

وحدت‌گرایی: اصل وحدت ادراک بناها را ممکن‌می‌کند و وحدت و یکپارچگی معماری اسلامی به وحدت عالم هستی مربوط است (نصر، ۱۳۸۲: ۱۲۱). وحدت در معماری اسلامی در هارمونی و هماهنگی متجلی است. (بورکهارت، ۱۳۹۲: ۱٦۳) و مقام وحدت در مرتبه صورت‌ها خودش را به مستقیم‌ترین وجه از حیث زیبایی ظاهرمی‌سازد. به معنای دیگر وحدت صور امتزاج نقوش به‌صورت واحد گویای وحدت الهی است که خود عین زیبایی است (بورکهارت، ۱۳۸٦: ١٦٥). وحدت‌گرایی در معماری اسلامی متناسب با هماهنگی اجزا با یکدیگر و وحدت تکامل‌یافته در معماری است، و در معماری رواق دارالسیاده وحدت‌گرایی به‌عنوان بارزترین و اصلی‌ترین مؤلفه شکل‌گیری مطرح‌می‌شود. وحدت‌گرایی که به‌نوعی با مرکزگرایی در معماری رواق دارالسیاده همسو گشته‌است، زیبایی وحدت‌گرایی را بیش از پیش نمایان ساخته‌است. هر جزئی از کالبد رواق به وحدتی می‌رسد که بیانگر اصل توحید و یگانگی خداوند بوده‌است.

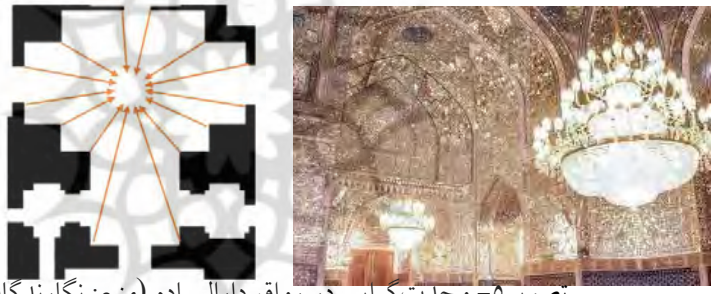

تصویر۵- وحدت‌گرایی در رواق دارالسیاده (منبع: نگارندگان)

تجلی زیبایی‌شناسی جلال در معنای رواق دارالسیاده

زیبایی‌شناسی جلال خداوند در معنای رواق دارالسیاده تجلی و با ذهنیات پیوندیافته‌است، مفاهیمی از معماری که با زیبایی آن را با چشم نمی‌توان‌دید بلکه باید با قلب آن را درک‌کرد. این مفاهیم شامل بی‌کرانی فضا، عالم مثال، معنویت و تقدس فضایی می‌باشد که معنای رواق دارالسیاده را شکل‌داده‌اند.

بی‌کرانی: معماران مسلمان به‌واسطه ادراک عقلی، عالم کبیر را دریافت‌می‌کردند؛ که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن بی‌کرانی است. یعنی ذاتی که فاقد حد و تعین است (دری و طلیسچی، ۱۳۹۷:

۲۹). آگاهی فرد مسلمان نسبت به حضور الهی مبتنی بر احساس عدم تناهی است. وی عینی‌سازی هرگونه امر الوهی را نفی‌می‌کند؛ مگر با این شرط که خود را به‌صورت مکان نامحدود ارائه‌کند (بورکهارت، ۱۳۸٦: ۱۷٦). فضای مقدس اسلامی، نماد روح الهی است که وجود بی‌کران آن کل عالم را دربرمی‌گیرد (دری و طلیسچی، ۱۳۹۷: ۲۹) و هدف راستین معماری اسلامی جلوه‌دادن بی‌انتهایی فضاست (بورکهارت، ۱۳٦۵: ۳٦). این بی‌کرانی فضا در معنای معماری رواق درالسیاده با توجه به عالم معنا شکل‌گرفته‌است. بی‌کرانی فضای رواق را تا حد نبود مرز و حریم می‌توان با چشم بصری دید اما درک بی‌کرانی آن به‌دلیل وجود محورهای پنهان و همچنین قداست فضا، تنها با چشم دل امکان‌پذیر می‌باشد. بی‌کرانی فضای رواق به‌دلیل اهمیت و اولویت دادن به مرقد مطهر بوده و خود را فضایی جهت وصال به آن می‌داند، از این‌رو، کرانمندی فضا را ازبین‌برده‌است تا به محورهای اصلی مرقد مطهر با بی‌کرانی فضا اولویت‌بخشد. این بی‌کرانی و نبود حد و مرز، نشانی از زیبایی‌شناسی رواق است که مخاطب با حضور در آن و ادراک کامل فضا می‌تواند دریافت‌کند.

عالم مثال: در فلسفه تجدد، عالم مثال حلقه‌ای مفقوده است؛ تا آنجاکه برخی محققین غربی، به دشواریِ ترجمه خیال در زبان فرانسه و انگلیسی اذعان‌داشته‌اند (کربن، ۱۳۸٤: ۲٤۹–۲۵۰). عالم خیال به لحاظ لطافت و زمختی بینابین است. یعنی حدّفاصل روحانیت محض و مادیت صرف قراردارد. چنین عالمی را ابن عربی عالم مثال یا عالم مثال منفصل می‌نامد (ابن عربی، بی‌تا، ج۲: ۳۷۷). عالم مثال عالمی حقیقی است که صور اشیا در آنجاست و وجودی مستقل از انسان و بیرون از او است (همان، ج۱: ۳۰٦). عالم وجود، منحصر به عالم محسوس نبوده و معماران مسلمان عوالم بالاتر یعنی عالم مثال و معقول را به‌واسطه ادراک خیال و عقل دریافت‌می‌کردند (دری و طلیسچی، ۱۳۹۷: ۲۸). بنابراین معنای معماری رواق دارالسیاده نیز به عالمی بالاتر از عالم ماده اشاره‌داشته‌است و با ایجاد مؤلفه‌های کالبدی که بیان‌گردید سعی در ایجاد فضایی معنوی دارد. رواق با وجود کالبدی زیبایی‌شناسی، فضایی را جهت درک عالم مثال ایجادکرده‌است تا انسان را از عالم خاک به عالم عرش سوق‌دهد و او را به تفکر در دلیل اصلی آفرینش خود وادارد. از همین‌رو، معماری رواق نشانی از عالم مثال است که مخاطب با حضور در آن می‌تواند به درک حق ذات باری‌تعالی دست‌یابد.

معنویت: هنر اسلامی هنری توحیدی است و در آن به ستایش پروردگار عالم پرداخته‌می‌شود، لذا امری روحانی و معنوی است و در زمره هنرهای معنوی قرارمی‌گیرد (صحاف، ۱۳۹۰: ۵۵). معماری قدسی اعلام تبلور معنویت اسلامی و کلیدی برای درک این معنویت است، به برکت این معنویت، فضاهایی که این معماری می‌آفریند، سرپناهی ایجادمی‌کند که انسان در آن به بهشتی دست‌یابد که در عمق و مرکز وجود خود دارد (نصر، ۱۳۸۹: ۷۰). منظور از آفرینش معماری، خلق معنویتی است که انسان را در سمت‌وسوی حقیقت و عالم روحانی وجود خود که در اتصال با وجود حق می‌باشد، قراردهد (صحاف، ۱۳۹۰: ۵۷). معماری رواق دارالسیاده نیز مبتنی بر اعتقادات اسلامی است و معنویتی

را ایجادکرده‌است که زمینه‌ساز تعالی روح مخاطب می‌باشد. این رواق به‌دلیل زیبایی کالبدی نمادی از بهشت درونی است و مخاطب، به‌دلیل وجود زیبایی کالبدی، تزئینات آیینه‌کاری و کتیبه‌های آسمانیبا حضور در آن، به معنویتی فراتر از مادیات دست‌خواهدیافت.

تقدس: تقدس را در سه سطح ادراک ذهنی، ادراک ارزیابانه و ادراک ضمنی مطرح‌کرده‌اند. ادراک قدسیت به وجه نشانه‌ای مکان اشاره‌دارد، اغلب با فهم شناختی دانسته‌می‌شود که در آن محتوای قدسی مکان، امری درون ذهنی است که از پیش در ذهن نهاده‌شده و امر عینی و بیرونی (فضا)، تنها واسطه تذکر به آن است و چیزی از نفس روحانیت والا را دربر ندارد؛ ادراک ضمنی و قدسیت مکان را در تعامل میان حواس فرد (نه لزوماً مؤمن و عقیده‌مند به قداست مکان) و ویژگی‌های کالبدی-فضایی آن، می‌دانند، و ادراک ارزیابانه بر نقش سمبل‌ها و یا قدسیّت مکان با آداب خاص آن برای واردشونده، تأکید دارد (ناری‌قمی، ۱۳۹۱: ۵۰-۵۱). سه سطح تقدس در معنای معماری رواق دالسیاده قابل تطبیق می‌باشد، ادراک تقدس ذهنی فضا به‌دلیل مقدس بودن مکان است. ادراک ضمنی که در میان حواس مخاطب به‌دلیل زیبایی کالبدی و معنایی رواق شکل‌خواهدگرفت و ادراک ارزیابانه تقدس فضای رواق به‌دلیل وجود کتیبه‌ها، تزئینات و اصالت تاریخی آن.

نتیجه‌گیری

زیبایی‌شناسی عرفان اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآن در دو سطح جمال و جلال تقسیم‌بندی می‌گردد. جمال با حسن و زیبایی و جلال با شکوه و عظمت تعریف می‌گردد. لذا حسن بعدی از زیبایی است، که با چشم قابل دیدن و ادراک می‌باشد و جزء عینیات در جهان هستی محسوب می‌گردد که با ارتباط بصری قابل دریافت است. در مقابل جلال بعدی از زیبایی است که با چشم قابل مشاهده نیست و درک آن فقط از طریق قلب صورت می‌گیرد، و جزء ذهنیات می‌باشد. در این صورت تنها با چشم دل می‌توان آن را دریافت نمود. همواره هنر اسلامی و به تبع آن معماری اسلامی در پی دستیابی به زیبایی‌شناسی اسلامی بوده‌اند که ریشه در عرفان اسلامی و قرآن داشته است.

معماری رواق درالسیاده دارای دو بعد معنا و کالبد بوده‌است که بعد کالبدی آن مبتنی بر زیبایی‌شناسی جمال و بعد معنایی آن مبتنی بر زیبایی‌شناسی جلال می‌باشد. زیبایی‌شناسی جمال با مفاهیم شفافیت، سلسله‌مراتب، ریتم و تکرار، پیوستگی، تناسبات، وحدت‌گرایی و زیبایی‌شناسی جلال با مفاهیم بی‌کرانی، معنویت، عالم مثال و تقدس نمود یافته‌است. این مفاهیم که از اصول زیبایی‌شناسی اوصاف الهی نشأت‌گرفته‌است، بیانگر اعتقادات قلبی معماران مسلمان آن دوران می‌باشد و می‌تواند اصولی جهت طراحی معماری دوران معاصر نیز باشد تا باعث ارتقای فضای معماری گردد.

منابع و مآخذ

۱) ابن‌عربی، محی‌الدین‌محمد، (۱٤۱٤)، **فتوحات مکیه**، ج۱و ۲، بیروت: دار صادر.

۲) اردلان، نادر و بختیار، لاله، (۱۳۹۰)، **حس وحدت**، ترجمه ونداد جلیلی و احسان طایفه، تهران: نشر علم معماری.

۳) انصاری، مجتبی؛ اخوت، هانیه و تقوایی، علی‌اکبر، (۱۳۹۰)، «تحقیقی پیرامون سیر تاریخی سیستم های تنظیم تناسبات در معماری با تأکید بر ملاحظات کاربردی و زیباشناسی»، کتاب ماه هنر، (۱۵۱)، صص ٤٦-۵۷.

٤) بلخاری‌قهی، حسن، (۱۳۸۷)، **معنا و مفهوم زیبایی در المناظر و تنقیح المناظر**، تهران: فرهنگستان هنر.

۵) _____، (۱۳۸۸)، **هندسه خیال و زیبایی**، فرهنگستان هنر، تهران.

٦) _____، (۱۳۹۰)، **مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی**، چ دوم، تهران: سوره مهر.

۷) بمانیان، محمدرضا، هانیه اخوت، و پرهام بقایی، (۱۳۸۹)، **کاربرد هندسه و تناسبات در معماری**. تهران: هله، طحان.

۸) بورکهارت، تیتوس، (۱۳٦۵)، **هنر اسلامی: زبان و بیان**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: سروش

۹) _____، (۱۳۸٦)، **مبانی هنر اسلامی**، ترجمه امیر منصوری، تهران، نشر حقیقت.

۱۰) _____، (۱۳۹۲)، **هنر اسلامی زبان و بیان**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش.

۱۱) پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۷٦)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: نشر دانشگاه علم و صنعت ایران.

۱۲) تاجدینی، علی، (۱۳٦۹)، **اهتزاز روح (مباحثی در زمینه زیبایی‌شناسی هنر)**، تهران: انتشارات حوزه هنری.

۱۳) تقوایی، ویدا، (۱۳۸۱)، «از جمال‌شناسی تا زیبایی‌شناسی»، هنرهای زیبا، ش ۱۱، صص ٤-۱۲.

۱٤) توسلی، محمود، (۱۳٦۷)، **اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.

۱۵) جعفری، محمدتقی، (۱۳۸٦)، **هنر و زیبایی از دیدگاه اسلام**، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

۱٦) جعفری‌ها، رضا، انصاری، مجتبی، بمانیان، محمدرضا، (۱۳۹٦)، «زیبایی‌شناسی اسلامی و آموزه‌های آن در منظر شهری»، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۵-۲۹.

۱۷) جلالی، غلامرضا، (۱۳۷۸)، «زیبایی‌شناسی در اندیشه فلسفی شهید مطهری»، نشریه حوزه، دوره ۱٦، شماره ۱، تهران.

۱۸) حمزه‌نژاد، مهدی، خراسانی مقدم، صبا، (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی مزارهای اسلامی در ایران، بر اساس مفاهیم قدسی تشبیه، تنزیه، جمال و جلال»، مطالعات معماری ایران، دوره ۱، شماره ۲ ، صص ۱۰۹-۱۲۸.

۱۹) حمزه‌نژاد، مهدی، رهروی‌پوده، ساناز، (۱۳۹۵)، «گونه‌شناسی مفهومی در پرستشگاه‌های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در دوره صفویه اصفهان (بر اساس ویژگی‌های قدسی تنزیه، تشبیه، جمال و جلال)»، پژوهش-های معماری اسلامی، دوره ٤ , شماره ۲ (پیاپی ۱۱)، صص ۱۷-۳۸.

۲۰) حصوری، علی، (۱۳۸۱)، **مبانی طراحی سنتی**، تهران: نشر چشمه.

۲۱) خاتمی، محمود، (۱۳۹۰)، **فلسفه‌ای برای هنر ایرانی**، تهران: فرهنگستان هنر.

۲۲) خدایاری، زهرا، مشتاق مهر، رحمان، (۱۳۹٤)، «دیالکتیک جمال و جلال در اندیشه عین‌القضات همدانی»، ادیان و عرفان، سال ٤۸، شماره ۱، صص ۱-۱۷.

۲۳) خرقانی، حسن، (۱۳۸۷)، «مفاهیم زیبایی‌شناختی در قرآن»، مطالعات اسلامی، شماره ۸۰، صص ۱۱-٤۷.

۲٤) _____، (۱۳۹۰)، «دیدگاه علامه طباطبایی در حوزه زیبایی‌شناسی و اخلاق»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ٦۸، صص ٦۰-۸۵.

۲۵) دری، علی، طلیسچی، غلامرضا، (۱۳۹۷)، «کرانمندی و بیکرانی ساختار فضایی معماری اسلامی ایران در مساجد دوران صفوی (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف‌الله و امام اصفهان)»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره نوزدهم، ۱۹-٤۰.

۲٦) ذوالفنون، سیدحسین، (۱۳۸۹)، «غرض کرشمه حسن است (هنر و فلسفه اسلامی)»، ماهنامه فرهنگ پویا، شماره ۱۹، صص ۱٦-۲۰.

۲۷) راستگو، سیدمحمد، راستگوفر، محمدفرید، (۱۳۸۸)، «جمال جلال و جلال جمال»، مطالعات عرفانی، شماره دهم، صص ۱۷۳-۲۰۲.

۲۸) رجایی بخارائی، احمدعلی، (۱۳٦٤)، **فرهنگ اشعار حافظ**، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

۲۹) رحیمیان، سعید، (۱۳۸۳)، **مبانی عرفان نظری**، چاپ اول، تهران: سمت.

۳۰) رحمانی، فروزان، نورمحمدزاد، حسین، (۱۳۹۸)، «تطبیق اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد در مجموعه تاریخی شهر یزد»، مطالعات شهری، شماره ۳۱، صص ۱۰۹-۱۲۵.

۳۱) رهنورد، زهرا، (۱۳۸٦)، «جلوه جمال و جلال در نگارگری و بازتاب آن در موجودات اهریمنی و مخوف»، هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صص ۸۷-۹۵.

۳۲) سعادت، داوود، اعتصام، ایرج، مختاباد امرئی، سیدمصطفی، مهدوی‌نژاد، محمدجواد، (۱۳۹٦)، «تبیین مفهوم شفافیت در دوره‌های مدرن، پست‌مدرن و ارزیابی آن در معماری اسلامی ایرانی»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۵، سال پنجم، صص ۷۵- ۹۰.

۳۳) سلطان‌زاده، حسین، (۱۳۷۲)، **فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۳٤) سعیدی، ایمان، دارابی، حسن، (۱۳۹۲)، «بازنمایی ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال پنجم، شماره اول، صص ۲۲ – ٤۵.

۳۵) سهروردی، شیخ شهاب‌الدین، (۱۳۷٤)، **فی حقیقه‌العشق**، تهران: انتشارات مولی.

۳٦) شایسته‌فر، مهناز، (۱۳۸۵)، «جلال در جمال (تاثیر سیره پیامبر بر هنر و نگارگری و معماری)»، خردنامه همشهری، شماره ۱۱، صص ۵۹-٦۱.

۳۷) صحاف، سیدمحمدخسرو، (۱۳۹۰)، معنا در معماری ایرانی، **هویت شهر**، شماره ۲۵، صص ۵۱-٦۰.

۳۸) طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳٦۳)، **تفسیر المیزان**، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا و انتشارات امیرکبیر.

۳۹) _____، (۱۳۹۰)، **المیزان**، چاپ ۲، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۹۷۱م.

٤۰) طبسی، محسن و همکاران، (۱۳۹۱)، بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان، تهران: نشریه هنرهای زیبا.

٤۱) طریقی، عبدالحسین، (۱۳۸۷)، «تجلی در عرفان اسلامی»، فصلنامه عرفان زنجان، دانشگاه آزاد زنجان، سال چهارم، شماره شانزدهم.

٤۲) غزالی طوسی، ابوحامد، (۱۳٦۱)، **کیمیای سعادت**، جلد۱، به‌کوشش حسین خریوجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

٤۳) فارابی، ابونصر محمدبن‌محد، (۱۳۷۹)، **سیاست مدنیه**، ترجمه و تحشیه سیدجعفر سجادی، چاپ سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

٤٤) فرهنگ‌دوست، هادی، باوندیان، علیرضا، کوهستانی اندرزی، حسین،(۱٤۰۰)، «ارائه نظام زیبایی شناسی فلسفی- حکمی در معماری اسلامی»، مبانی نظری هنرهای تجسمی شماره ۱۱ ، صص ٤۲-۵۹.

٤۵) قمی، شیخ عباس، (۱۳۸٤)، **مفاتیح‌الجنان**، چاپ ۱، قم: لقا.

٤٦) کربن، هانری، (۱۳۸٤)، **مجموعه مقالات**. گردآوری و تدوین محمدامین شاهجویی با اشراف شهرام پازوکی، تهران: حقیقت.

٤۷) گوهرین، صادق، (۱۳٦۸)، **شرح اصطلاحات تصوف**، تهران: زوار.

٤۸) لاهیجی، عبدالکریم، (۱۳۸۰)، **شرح گلشن راز**، تهران: محمودی.

٤۹) مدپور، محمد، (۱۳۸۳)، **آشنایی با آرای متفکران درباره هنر**، جلد ۳ و ٤، تهران: سوره مهر.

۵۰) مطهری، مرتضی، (۱۳٦۸)، **فلسفه اخلاق**، تهران: انتشارات صدرا.

۵۱) _____،(۱۳۷۸)، **مجموعه آثار**، جلد ۱، قم: انتشارات صدرا.

۵۲) ملاصدرا، صدرالمتالهین شیرازی، (۱۳٤۰)، **الاسفارالاربعه**، دوره نه جلدی، جلد سوم (حرکت و زمان)، دارالمعارف الاسلامیه)، تهران: چاپ حیدری.

۵۳) ملاصدرا، صدرالمتالهین شیرازی، (۱۳٦۲)، **حکمت متعالیه در اسفار اربعه، سفر اول: از خلق به خلق**، جلد ۱/۳ ، ترجمه محمد خواجوی، چ٤، تهران: انتشارات مولی.

۵٤) ملاصلاحی، حکمت‌الله، (۱۳۷۷)، «صور جلالی در معماری اسلامی ایران»، فرهنگ و هنر، دوره ۱، شماره ۲۹، صص ٤-۳۱.

۵۵) ملاصلاحی، حکمت‌الله، (۱۳۷۳)، «مقوله جمال و جلال در هنرهای تجسمی»، مشرق، شماره ۱، صص ۴۹-۵۳.

۵۶) ملک‌شاهی، حسن، (۱۳۸۵)، **ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن‌سینا**، جلد اول (طبیعیات، الهیات، عرفان و تصوف)، چاپ پنجم، تهران: سروش.

۵۷) میرمیران، سیدهادی، (۱۳۷۷)، «سیری از ماده به روح. معماری و شهرسازی»، ۴۲-۴۳، صص ۹۴-۱۰۰.

۵۸) ناری‌قمی، مسعود، (۱۳۹۱)، «تقدس فراگیر فضا در اسلامی: نگاه تکلیف‌گرا»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۷، صص ۴۹-۶۰.

۵۹) نقی‌زاده، محمد، (۱۳۷۶)، **مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی**، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد گذشته- حال- آینده، جلد دوم، تهران، نشر دانشگاه هنر.

۶۰) نصر، سیدحسین، (۱۳۷۵)، **هنر و معنویت اسلامی**، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، حوزه هنری.

۶۱) _____، (۱۳۶۸)، «سنت اسلامی در معماری ایرانی، جاودانگی و هنر (مجموعه مقالات)»، ترجمه سیدمحمد آوینی، تهران: برگ، صص ۵۹-۶۸.

۶۲) _____، (۱۳۸۰)، **معرفت و معنویت**، ترجمه انشاالله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

۶۳) _____ ، (۱۳۸۲)، **نیاز به علم مقدس**، ترجمهٔ حسن میانداری، قم: طه.

۶۴) _____، (۱۳۸۴)، **جوان مسلمان و دنیای متجدد**، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.

۶۵) _____، (۱۳۹۴)، **هنر و معنویت اسلامی**، ترجمه‌ی رحیم قاسمیان. تهران: حکمت.

۶۶) نعمتی، بهزاد، رزاقی، حسین، (۱۳۹۱)، **هنر در حرم**، مشهد، مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.

۶۷) هاشم‌نژاد، حسین، (۱۳۸۵)، «درآمدی بر فلسفه هنر از دیدگاه فیلسوفان بزرگ اسلامی»، **فصلنامه قبسات**، سال یازدهم، صص ۳۱۳-۳۳۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Received: 2023/2/26
Accepted: 2023/5/17
Vol.21/No.82/Winter2025

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
(Erfan.eslami.zanjan@gmail.com)
https://sanad.iau.ir/journal/mysticism

Manifestation of the Aesthetics of Islamic Mysticism in the Framework and the Meaning

Mahbubeh Zamani[1], *Amir Akbari*[2*]

PhD Student, Department of Art and Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Assistant Professor, Department of History, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran. **Corresponding Author*, Amirakbari84@yahoo.com

Abstract

Aesthetics is one of the important topics that Islamic mystics and especially the Holy Quran have pointed out as the highest source of knowledge in the Islamic world and the existence of the universe as the manifestation of the beauties of the essence of the Almighty. In the meantime, Islamic art, which leads to the depths of truth, has been a clear manifestation of the aesthetics of Islamic mysticism, which also indicates the source of the unifying principles of art. Islamic architecture in the category of Islamic art has been the most prominent manifestation of aesthetic expression throughout history, which is rooted in the beliefs of Muslim architects. Razavi holy shrine is the largest religious building and a perfect example of Islamic architecture in different eras and has valuable buildings. Dar al-Siyadah porch is one of the most magnificent and largest porches of the holy shrine, which due to its proximity to the holy shrine, has high concepts in the field of aesthetics. Therefore, the present study intends to study the aesthetics of Islamic mysticism and since Islamic architecture has two dimensions of meaning and framework. the manifestation of this aesthetics has emerged. In this regard, by using descriptive-analytical and historical methods and collecting information by library and field methods, aesthetics and then its analysis in the framework and the meaning of Dar al-Siyadah porch architecture has been studied. The results of the research indicate that the divine attributes can be divided into two levels of beauty and glory.

Keywords: Aesthetics, Islamic mysticism, framework, meaning, Dar al-Siyadah, porch.

پرتال جامع علوم انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی